



۵۴



از صنف تعمیرکارهای رادیو و تلویزیون پشت سیلوی گندم فقط سیدمحمد حسین رضازاده مانده است

آخرین نگهبان صوت و تصویر محله فاطمیه

عکس: فاطیمه فرخی/شهرآرا

حکایت طبابت صادقانه و ماندگار
 دکتر محمدحسن باقری در محله شهیدقربانی

پزشکی که سنگ صبور
 ۳ نسل است



۳ پس از مطالبه اهالی پنجتن ۸۱
 اداره فضای سبز منطقه ۴ قول مساعد داد
 درختان مزاحم در مسیر هرس

۷ پزشک خیراندیش و دختران بسیجی
 محله سپس آباد ابتکار به خرج دادند
 داروهای مازاد خانه‌ها
 گره‌گشای بیماران نیازمند

سال تحصیلی و افزایش میزان رفت و آمد دانش آموزان احتمال بروز مشکل بیشتر می شود.

● ○ رد پای سگ ها تا پشت در خانه ها

در اطراف محله، زمین های خالی و کشاورزی بسیاری قرار دارد که بخش زیادی از آن ها متعلق به آستان قدس رضوی است. احمدی درباره این محدوده می گوید: این زمین ها محل تخلیه غیرمجاز نخاله و زباله هستند و بیشتر مواقع سگ های بدون صاحب از همین زمین ها خودشان را به محله می رسانند.

حسین تقی زاده، یکی دیگر از ساکنان این کوچه، نیز از حضور سگ ها در بخش های خلوت تر محله می گوید: موضوعی که به گفته او باعث شده برخی اهالی در ساعات ابتدایی روز، با احتیاط بیشتری در آن محدوده ها رفت و آمد کنند.

او می گوید: سگ ها بیشتر صبح ها تا حوالی ساعت ۹ صبح دیده می شوند و گاهی تا پشت در حیاط خانه هم می آیند. ممکن است در آینده نزدیک برای دانش آموزانی که قرار است از این محدوده تردد کنند، این موضوع دردسرساز شود.

● ○ پیگیری تا برقراری آرامش کامل در محله

مطالبات شهروندان درباره حضور سگ های بدون صاحب در محدوده بهمن ۲۶ و کوچه های شهید سامعی را با رئیس واحد رفع سد معبر و کمیسیون بند ۲۰ شهرداری منطقه ۳ در میان می گذاریم. تیم جمع آوری سگ های بدون صاحب نیز زیر نظر این واحد در سطح منطقه فعالیت می کند.

محمد رضا سالاری ابتدا درباره دلیل حضور بیشتر سگ ها در برخی محله ها می گوید: وجود زمین های رها شده و همچنین رها سازی زباله از سوی برخی شهروندان آن هم خارج از ساعت تعیین شده، از عواملی است که سگ ها را به سمت محله ها می کشاند. بیشتر این سگ ها برای پیدا کردن غذا وارد محله ها می شوند و همین موضوع می تواند برای شهروندان مشکل ساز شود.

او در ادامه می افزاید: محدوده ای که شهروندان اعلام کرده اند از سوی تیم جمع آوری سگ های بدون صاحب با دقت بیشتری رصد خواهد شد. تلاش می کنیم این محدوده تارفع کامل مشکل، به طور مستمر پایش شود تا پاک سازی آن، رضایت شهروندان را به همراه داشته باشد.



● ○ نگرانی صبحگاهی در کوچه های بهمن

میترا احمدی، از ساکنان قدیمی محله بهمن که هجده سال است در این محدوده سکونت دارد، می گوید: حدود یک ماه است حضور سگ ها در کوچه های اطراف بخصوص معابر شهید سامعی بیشتر به چشم می آید؛ اغلب به صورت

تکی دیده می شوند. حضورشان در ساعات ابتدایی صبح بیشتر است و از ظهر تا ساعات پایانی شب، کمتر در محله دیده می شوند.

با نزدیک شدن به بازگشایی مدارس، این موضوع برای خانواده هایی که فرزندانشان هر روز از همین مسیرها عبور می کنند، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. احمدی نیز نگرانی اصلی خود را رفت و آمد پسرش به مدرسه عنوان می کند و می گوید: نگرانیم که صبح ها وقتی پسر به مدرسه می رود، با دیدن این سگ ها دچار ترس شود و حتی احتمال دارد سگ ها به او حمله کنند.

با این حال احمدی تأکید می کند که تا حالا شاهد حمله سگ ها به اهالی یا کودکان نبوده است؛ به گفته او، در روزهای آینده و شروع

نگرانی اهالی کوچه های بهمن ۲۶ و شهید سامعی از جولان سگ های بدون صاحب

وقتی سگ ها تا پشت در خانه ها می آیند

محمد رضا فیضی | صبح که از راه می رسد، کوچه های محدوده بهمن ۲۶ هم کم کم از سکوت بیرون می آیند؛ یکی راهی محل کار می شود، دیگری برای خرید از خانه بیرون می زند و... زندگی در این کوچه ها با همین رفت و آمدهای ساده جریان دارد. امامدتی است در میان همین تصویر آشنا، حضور سگ های بدون صاحب هم بیشتر به چشم برخی اهالی آمده است؛ سگ هایی که به گفته ساکنان، گاهی از زمین های خالی، خودشان را تا نزدیکی خانه ها می رسانند. گرچه تاکنون حادثه ای در این زمینه برای اهالی پیش نیامده است، با نزدیک شدن فصل بازگشایی مدارس و بیشتر شدن رفت و آمد کودکان و نوجوانان، افزایش تعداد سگ ها در محدوده، نگرانی خانواده ها را از وقوع حادثه برای فرزندانشان به دنبال داشته است.

هم قدم

۳

نگرانیم که صبح ها وقتی پسر به مدرسه می رود، با دیدن این سگ ها دچار ترس شود و حتی احتمال دارد سگ ها به او حمله کنند

شهردار پای صحبت مردم

فرزانه شهامت | سوم شهریور به روال هر ماه، سید کمال الدین شاهچراغی، شهردار منطقه ۳ در مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ حاضر شد تا به پرسش ها و درخواست های اهالی منطقه پاسخ دهد. معاون فنی و اجرایی، مسئول امور پیگیری های ویژه و مسئول امور روابط عمومی شهرداری منطقه نیز شهردار را در این برنامه، همراهی می کردند. شهردار منطقه در این برنامه به ۱۵ تماس پاسخ داد و در مجموع ۲۸ درخواست از سوی شهروندان مطرح شد.

۱۳۷

۳

تعداد تقاضاهای مرتبط به تفکیک موضوع

عمران و حمل و نقل ۷

فضای سبز ۱

خدمات شهری ۳

شهردار محله پیگیری می کند

شهردار محله وضعیت رفت و روب معابر و نحوه زباله گیری محله مهرگان را در هفته های آینده بررسی می کند.

حوزه عمران، حمل و نقل و ترافیک

تقاضای آسفالت و نصب سرعت گیر در کوچه شهید مولایی ۱۱، درخواست انجام عملیات روکش آسفالت در خیابان شهید ابراهیمی و درخواست تجهیز بوستان در کوچه شهید ابراهیمی ۱۰، تعدادی از درخواست های شهروندان در این حوزه بود.

محلات پرتماس

از میان محلات هفده گانه منطقه ۳، بیشترین تقاضاها از سوی شهروندان محله بلال با ۳ مورد و محله خواجه ربیع، محله مهرگان، محله سیس آباد، محله دروی و محله فاطمیه هر کدام با ۲ مورد بود.

تماس های نامرتبط با شهرداری منطقه

۹ تماس مربوط به آموزش و پرورش، نیروی انتظامی و سایر سازمان های تابعه شهرداری مثل سازمان فرهنگی تفریحی، اتوبوس رانی و قطار شهری بود.

قدرتانی

۳ تماس تلفنی شهروندان محله مهرگان، محله بلال و محله عباس آباد به تشکر از عملکرد کارکنان شهرداری منطقه ۳، تعریض رسالت ۷۶ و آسفالت خیابان شهیدان نظام دوست مربوط بود.

حوزه خدمات شهری

انتقاد از وضعیت زباله گیری در کوچه مهرالرضا ۳۷ و انتقاد از وضعیت نظافت در معبر شهید یوسف زاده ۴۱/۳، از مواردی بود که شهروندان در این زمینه مطرح کردند.



پس از مطالبه اهالی پنجتن ۸۱
اداره فضای سبز منطقه ۴ قول مساعد داد

درختان مزاحم در مسیر هرس

فرزانه شهامت | درخت های بلند قامت و تنومند، با همه سرسبزی و زیبایی شان، مایه نگرانی اهالی کوچه پنجتن ۸۱ در محله التیمور شده اند. مهم ترین دغدغه ساکنان کوچه در این باره، خطر شاخه های انبوهی است که مدت هرس نشده اند. نشانه هایش را به وضوح می توان در سرشاخه هایی دید که برخی، اکنون با سیم های برق، هم جوار شده اند؛ یک هم جواری ناایمن که به سبب آن، وقوع حوادث ناگوار، دور از انتظار نیست.

هم قدم

۴

● درختان دردسرساز

زبان گنجشک و توت، گونه های غالب در این معبر هستند که در کنار خوبی هایشان، دردسرهایی را هم برای اهالی به همراه داشته اند. پاداشیان، یکی از اهالی قدیمی کوچه که عمر سکونتش در این معبر به بیش از سه دهه می رسد، به درخت مقابل منزلش اشاره می کند و از ریشه های آن می گوید که تخریب لوله های آب را موجب شده است. او با این قسمت از قضیه و هزینه هایی که روی دستش گذاشته شده، کنار آمده است اما با خطری که سیم های برق تنیده شده با شاخه های هرس نشده درخت ایجاد کرده اند، کنار نمی آید. او می گوید: چند وقت پیش، ماشین هرس درختان از شهرداری آمده بود همین اطراف. به آن ها گفتم حالا که آمده اید، بیایید این چند درختی را هم که نشان تن می دهم، هرس کنید؛ قبول نکردند و گفتند باید دوباره درخواست بدهید.

● خطر پارگی سیم برق

احمد خرسند که پیش از پیروزی انقلاب در این کوچه ساکن شده است، یکی دیگر از شهروندانی است که با ما هم کلام می شود و علاوه بر هرس درختان، به مسئله دیگری اشاره می کند. او می گوید: وقتی ما اینجا ساکن شدیم، همه اش زمین کشاورزی بود. خودمان درخت های این کوچه را کاشتیم، آب دادیم و مراقبت کردیم تا به این قد رسیده اند. حالا اجازه نداریم کوچه کوچک ترین تغییری در آن ها بدیم؛ مثلاً این درخت خشکیده جلو در حیات را

ببریم. باشد قبول! اقلاً شهرداری، نیروهایش را بفرستد تا خودشان بیابند کاری نکنند.

دغدغه شهروند قدیمی محله التیمور این است که تأخیر در اجابت درخواستش، باعث شود پاییز برسد، برگ ریزی درختان شروع شود و دیگر تشخیص درخت خشکیده از زنده، میسر نباشد.

یکی از بانوان ساکن این کوچه که از بیان نامش خود، خودداری می کند مسئله عمده درختان را حداقل چهارراه اول و دوم معبر، می داند. اشاره او به درخت هایی است که فراوانی شاخ و برگ هایشان باعث شده است تیرهای چراغ برق لایه لای تنه ها و شاخه ها پنهان شوند. این موضوع را که به سیم کشی های معلق در راستای عرض کوچه اضافه کنیم، مشکل، دو چندان می شود. سیم های نازک و آسیب پذیری که تحت فشار بودن و کشیدگی آن ها در اثر سنگینی شاخه های درختان را هم اکنون هم می شود تشخیص داد و ورزش بادی نه چندان شدید، پارگی آن ها را موجب خواهد شد.

او با این قسمت از قضیه و هزینه هایی که روی دستش گذاشته شده، کنار آمده است اما با خطری که سیم های برق تنیده شده با شاخه های هرس نشده درخت ایجاد کرده اند، کنار نمی آید

● اعزام ناظر

مهدی ضیغمی، رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۴، پس از شنیدن مطالبه اهالی کوچه پنجتن ۸۱، به ما می گوید: بلافاصله ناظر فضای سبز را راهی این کوچه می کنیم تا وضعیت درختان را بررسی کند. قطع دو درخت خشکیده و هرس درختان کوچه از همین امروز شروع می شود و مستندات آن برای اطلاع رسانی اهالی محترم محله التیمور، در اختیار شهرآرامحله قرار می گیرد.

پیگیری مسائل منطقه ۴ در کمیته نظارتی شورای شهر

نشست کمیته نظارتی شورای اسلامی شهر در شهرداری منطقه ۴ با حضور مجید طه‌پوریان عسکری و حسن کریمدادی، اعضای شورای و مهدی حسین زاده، شهردار منطقه، برگزار شد. در این نشست، روند اجرای پروژه های عمرانی، درخواست ها و مطالبات شهروندان و راهکارهای بهبود عملکرد منطقه مورد بررسی قرار گرفت.

بررسی وضعیت اراضی خطیب در منطقه ۴

جلسه تخصصی برای بررسی و تعیین تکلیف اراضی موسوم به «خطیب» در شهرداری منطقه ۴ برگزار شد. در این نشست که به ریاست مهدی حسین زاده، شهردار منطقه ۴ و با حضور معاونان منطقه و کارگزاران اداره املاک برپا شد، آخرین وضعیت پرونده های ثبتی، حقوقی و شهرسازی این اراضی که در محله پنجتن قرار گرفته مورد بررسی قرار گرفت.

سوله بحران در آستانه بهره برداری

عملیات عمرانی سوله بحران منطقه ۴ مشهد به پیشرفت نود درصدی رسیده است و در مراحل پایانی قرار دارد. در بازدید اوودلطیفی، معاون مدیرکل هماهنگی و نظارت بر خدمات شهری شهرداری مشهد، و مهدی حسین زاده، شهردار منطقه ۴، روند اجرای این پروژه و دیگر طرح های خدمات شهری بررسی شد.

شهر خبر

۴

کانون فرهنگی و هنری حضرت قائم آل محمد (عج) در محله فجر طرحی را برای آشنایی دختران با قهرمانان اجرایی کند
دوشنبه های شهدایی

فرزانه شهامت | دوشنبه های دختران کانون فرهنگی هنری حضرت قائم آل محمد (عج) در محله فجر، رنگ و بوی دیگری دارد؛ آن ها هر هفته راهی مزار شهدا می شوند تا در کنار یکی از آن ها، لحظاتی را به یاد شهید و مسیر زندگی اش سپری کنند. «دوشنبه های شهدایی» با حجاب فاطمی، نام این برنامه است؛ برنامه ای که در آن هریک از دختران، یک شهید را به عنوان الگوی خود انتخاب می کند و دقایقی را مهمان مزار او می شود. دل نوشته هایی صمیمانه، حرف های ناگفته و تجدید عهد با شهید برای ادامه راه او، بخش هایی از این دیدار هفتگی است.



از صنف تعمیرکارهای رادیو و تلویزیون پشت سیلوی گندم
فقط سید محمد حسین رضازاده مانده است

۳

آخرین نگهبان صوت و تصویر محله فاطمیه

سکینه تاجی از زندگی اش با رادیو و تلویزیون و ضبط و گرامافون گره خورده و بعد از ۶۵ سال زندگی، عشق تنها عامل اتصال او به دکانی است که بوی قدمت و خاطره از سرور و پیش می بارد. همین عشق، بیش از چهار دهه است که او را در شغلی که میراث پدری اش بوده، نگه داشته است.

سید محمد حسین رضازاده، متولد محله فاطمیه، تنها بازمانده تعمیرکاران رادیو و تلویزیون پشت سیلوی گندم است که اگرچه این روزها یک تکه و تنها، در حاشیه خیابان رسالت همچنان مشغول به کار است. این مشغله رانه فقط راهی برای امرار معاش که یک خوشحالی لذت بخش می داند. برگرداندن صدا و زندگی به وسایلی که از کار افتاده و شاید در کنج انباری ها خاک می خورند، تخصص اوست. این گپ و گفت روایت عشقی است به گذشته و اصالت.



از رده خارج شدن شغل ما

سید محمد حسین میراث دار شغل پدرش شد؛ نه به اجبار، بلکه به دلیل علاقه ای که از همان کودکی به مسائل فنی و تعمیرات رادیو و تلویزیون داشت. «ماشش برادر بودیم که فقط من به کار پدر علاقه زیادی نشان دادم. از همان بچگی می آمدم و درستش و استادم پدرم بود.» البته مسیر یادگیری اش فقط به پدر محدود نماند. حدود شش ماه هم جای دیگری شاگردی کرد و از صاحب کارش نقشه خوانی و یک سری نکات خوب دیگر را یاد گرفت. آقای تعمیرکار می گوید بعد از مغازه پدرش، چهار تعمیرکار دیگر هم اطراف مغازه او آمدند و به همین کار مشغول شدند و بعدها هم به تعدادشان اضافه شد؛ «وقتی من در سال ۶۲ از پدر جدا شدم و آمدم اینجا مغازه زدم، با پنج تعمیرگاه دیگر همسایه بودم.»

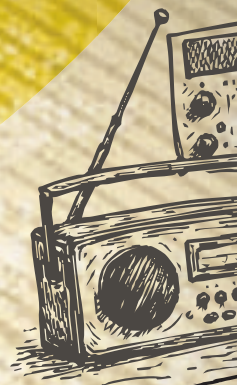
آقای تعمیرکار از پشت عینک نگاهی به خیابان رسالت و خلوتی سرظهران می اندازد، انگار دارد گذشته را در آن شبیه فیلمی تماشا می کند. با نارا احتی می گوید: «عملا این شغل دیگر از رده خارج شده است؛ دیگر خیلی کم پیش می آید کسی تمام وقت مانده باشد تو ای این کار، البته حق هم دارند. این یک کار زحمت کشی به معنای واقعی کلمه است؛ خیلی وقت و حوصله از آدم می گیرد. از طرفی هم سود آن چنانی ندارد. نگاهی به در و دیوار مغازه می اندازم. از کف تا سقف پر است از اسباب و وسایلی که روی هم چیده شده اند؛ رادیوها، از آن مدل های نفتی و لامپی قدیمی گرفته تا ترانزیستوری و مبله و مدل های جدیدتر، انواع تلویزیون های قدیمی در سایزها و برند های مختلف و در کنارشان مانیتورهای جدید و تلویزیون های LCD و LED. رضازاده با غمی در چشم به این وسایل نگاه می کند و می گوید: خیلی از این ها هنوز کار می کنند. خیلی هایشان سالم سالم هستند، اما دیگر هواخواهی ندارند. بعضی ها گاهی برای دکور چیزی می خرند، اما کمتر پیش می آید کسی بخواهد برای استفاده روزمره از این وسایل استفاده کند. خیلی هایشان را هم نگه داشته ام تا اگر موردی برای تعمیر پیش آمد، از قطعات آن ها استفاده کنم.»

جنس قدیمی مرگ ندارد

از او درباره تفاوت جنس های جدید و وسایل قدیمی ترمی پرسیم، می گوید: از یک طرف وسایل جدید بهترند؛ جای کمتری اشغال می کنند و کیفیت بهتری دارند، اما ای سی های پرسی و تفاوت ساختاری شان، یک جورهایی آن ها را به جنس یک بار مصرف تبدیل کرده است. در مقابل، مثلاً در رادیوهای قدیمی در هر قسمت ترانزیستور و قطعاتی به کار رفته که همین الان هم تا صد سال بعد قابل تعمیر هستند و می توان دوباره از آن ها استفاده کرد. هر کدام به هر حال خوب و بد خودشان را دارند اما جنس های قدیمی به قول معروف مرگ ندارند. آدم درست بالای سرش باشد تا صد سال دیگر هم قابل تعمیر هستند.

شاید همین تفاوت است که باعث شده رضازاده هنوز با وجود همه تغییرات، کنار همین وسایل بماند؛ وسایلی که بخشی از آن ها دیگر مشتری ندارند، اما هنوز برای او قابلیت تعمیر و دوباره به کار افتادن دارند.

برای او خوشحالی از راه انداختن و درست کردن یک وسیله بسیار زیاد است. می گوید همین حالا هم روزی به روز به اطلاعاتش اضافه می شود و چیزهای جدید یاد می گیرد. گاهی تعمیر یک وسیله برایش از یک وظیفه شغلی و کاری برای امرار معاش فراتر می رود. تمام هم و غم و انرژی و وقتش را می گذارد که فقط آن وسیله را دوباره راه بیندازد. وقتی درست می شود و صدایش در می آید، برایش خیلی لذت بخش است؛ «از یک جنبه دیگر کارم هم بسیار لذت می برم و آن هم تلفیق وسایل جدید و قدیمی با یکدیگر است. مثلاً گذاشتن قابلیت بلوتوث روی ضبط های قدیمی. چیزی شبیه خلق دوباره روی دستگاه های قدیمی؛ اینکه وسیله ای را که متعلق به سال های دور است، با اضافه کردن یک قابلیت جدید دوباره قابل استفاده کنم.»



وسایل قدیمی، بخشی از گذشته اند

از حسین آقای پیرسم آیا هنوز مشتری هایی دارد که وسایل قدیمی خودشان را برای تعمیر بیاورند تا بخواهند از آن ها استفاده کنند، نه فقط برای دکور و نمایش. هنوز سؤال تمام نشده که یک آقای میان سال پا به مغازه می گذارد. سراغ آیواهایی را می گیرد که برای تعمیر آورده بود. منظورش دستگاه های ویدئو است که برای پخش فیلم های قدیمی از آن استفاده می شود. سر صحبت را که باز می کند بالبخت می گوید خانمم سفارش کرده یا همین ها را حتما تعمیر کنم یا یک دستگاه تر و تمیز و درست بخرم؛ می خواهیم بنشینیم با هم فیلم عروسی مان را ببینیم و خاطره بازی کنیم.

داریم با آقای رضازاده درباره این مدل مشتری ها صحبت می کنیم و اینکه هنوز آدم ها به دنبال زنده کردن خاطراتشان یا تعمیر وسایلی که مربوط به پدر و مادرشان است، هستند که مشتری دیگری وارد می شود و درباره تلویزیون قدیمی پشت و پزیر می پرسد که آیا فروشی هست یا نه. همین رفت و آمدها نشان می دهد وسایل قدیمی هنوز برای بعضی ها تمام نشده اند. آن ها فقط دستگاه هایی از زده خارج نیستند؛ گاهی بخشی از گذشته اند، یا واسطه ای برای زنده کردن زندگی های گذشته.

رضازاده سختی کارش را در قدر ندانستن مشتری می داند. می گوید گاهی وسیله ای را تعمیر می کند و تحویل مشتری می دهد. اما به جای تشکر و قدردانی، به بهانه های مختلف ارزش کار را پایین می آورند؛ «بعضی ها حتی با بی رحمی می گویند: «مگر چه کار کردی؟! به این دقت نمی کنند که شاید من سه ساعت تمام برای یک بخش کوچک این دستگاه وقت صرف کرده باشم. حالا اگر قطعه جدیدی هم استفاده کرده باشم که بماند. بعضی ها هم فکر می کنند چون دستگاه قدیمی و کهنه است یا مثلاً ارزش مالی چندانی ندارد، پس نمی صرفد که بخواهد پولی برای آن خرج کند. درحالی که ارزش کار، وقتی است که برای آن صرف می شود.»

حسین آقا با این حال تأکید می کند که در همه این سال ها هیچ مشتری راناراضی از در این مغازه بیرون نفرستاده است. مشتری راه دور هم بسیار دارد. خیلی از مشتری ها هنوز به اعتبار و یاد پدرش، مشتری خودش هستند؛ «در این کار منیتی وجود ندارد؛ نمی گویم مثلاً کاری فقط از من برآمده اما مثلاً مشتری ای داشتم که وسیله ای را چند جا برده بود و در آخر، ناامید از همه جا، به من مراجعه کرد. اگر توانستم وسیله را درست کنم، صرفاً به دلیل تجربه ای بوده که در این همه سال کار به دست آوردم. این دسته مشتری ها خیلی از نتیجه کار راضی و خوشحال می شوند و قدرشناسی بیشتری دارند.»

آوازه کار حسین آقا

نگاهی می اندازم به ضبط صوتی که رضازاده مشغول تعمیر آن است. برد دستگاه را بیرون آورده و مدارهای ریز روی آن دیده می شوند؛ قطعاتی که هر کدام شماره مخصوص به خودشان را دارند و حتماً باید شماره آن ها خوانده شود. آن هم نه با چشم و عینک معمولی؛ فقط با ذره بین. کار به غایت ظریف و زمان بر است و حوصله ای بی نهایت می طلبد. آقای تعمیرکار معتقد است: از این به بعد، اگر کسی از بچه های نسل جدید بخواهد وارد این کارها شود، فقط و فقط عشق و علاقه بی اندازه می تواند او را در این راه نگه دارد؛ وگرنه بچه های نسل جدید معمولاً حوصله این همه ریزه کاری و دقت را ندارند.

اما علاقه خودش فقط به تعمیر دستگاه هایی که مشتری می آورد محدود نبوده است. از اومی پیرسم آیا کاری بوده که تا به حال فقط برای دل خودش تعمیر کرده باشد؛ یعنی درخواست و کار مشتری نبوده باشد. می گوید خیلی وقت ها پیش آمده که خواسته مهارت خودش را ثابت کند و به خاطر همین شروع به تعمیر کرده است. گاهی هم محدودیت ها و کمبودها او را به خلاقیت های جدیدی واداشته؛ «اوایل انقلاب، بسیاری از قطعات کم شد و اصلاً وارد بازار نمی شد. بعضی ای سی ها برای رادیو پخش هایپید نمی شد. آن زمان دستگاه های پخش و جود داشت به اسم «اوشین» که آمپلی فایرهای خیلی قوی و جالبی داشتند. آن ها را به صورت دستی روی یک کیت جای گذاری و بعد هم جایگزین قطعه نایاب در رادیو پخش ها می کردم. این کار برای خودش ارزش زیادی داشت آن موقع و خیلی هم سرو صداکرد.»

رضازاده همان کار را روی رادیوهای لامپی و تلویزیون های لامپی هم انجام داد. یک بار دیگر هم در نبود یک قطعه دست به کار ساختش شد؛ «یک مدل از رادیو پخش های ماشین توپوتا در یک دوره ای چرخ دنده هایش در بازار نایاب شد. چرخ دنده های آن را با پلاستیک ساختم و جاگذاری کردم و دیدم کار کرد. با همین روش خیلی از این رادیو پخش ها را تعمیر کردم. سر همین قضیه از جنوب خراسان و سمت سیستان ناگهان مشتری های زیادی آمدند و گفتند آوازه اش پیچیده است که فلان مدل ضبط ماشین را فقط یک نفر در مشهد درست می کند.»

پیش بینی های درست

حسین آقا از روزهای کودکی و نوجوانی اش می گوید. از زمانه ای که به نوعی درست در میانه تکنولوژی سپری شده است. خاطره ای از آن روزها دارد که حالا گذشت سال ها، بیشتر شبیه پیش بینی آینده به نظر می رسد؛ «فکر می کنم سال دوم راهنمایی بودم. نمی دانم موضوع بحث و صحبت مان دقیقاً چه بود اما یاد ام است که به هم کلاسی ها و

دوستانم گفتم یک روزی می آید که تلویزیون ها را می زنند به دیوار، حسین نوجوان پیش بینی دیگری هم درباره تلفن داشته؛ آن زمان که در خانه شان تلفن نداشتند، اما فامیل و آشنای راه دور زیاد داشتند که با آن ها تماس می گرفتند؛ فامیل ها زنگ می زدند خانه همسایه مان، آقای شعبانی. آن ها هم بچه ای را می فرستادند دنبال ما و می رفتیم تلفن را جواب می دادیم. در همان عالم کودکی همیشه این سؤال برایم مطرح بود که یعنی می شود روزی بیاید که ما ز پشت این تلفن ها یکدیگر را ببینیم؟»

آینده، بدون ابزار

حالا از حسین آقای با تجربه درباره پنجاه سال آینده جهان تکنولوژی می پرسیم؛ اینکه چه اتفاقی قرار است بیفتد که تا امروز نیتاده و به نظر او ارتباط آدم ها به چه شکلی خواهد شد؛ «فکر می کنم دیگر ابزار و وسایل از بین می رود. چیزهایی شبیه میکروچیپ در بدن ماکاشته می شود و همه کارهایی که مربوط به ارتباط با افراد و استفاده از تکنولوژی است، از همان طریق انجام می شود.»

اما آینده ای که او تصور می کند، فقط آینده ای پر از فناوری و امکانات نیست؛ نگرانی هم در آن وجود دارد. می گوید شاید هنر و مهارت هم از بین برود و بشر دیگر نیازی به انجام آن ها نداشته باشد. بیشتر از این ها، نگران قدرت فکر کردن انسان است. می گوید همیشه این خطر را حس می کند که بشر دیگر توان فکر کردن هم نداشته باشد. می ترسد تکنولوژی قدرت تفکر را هم از انسان بگیرد.

بعد نگرانی اش را به نسل های بعد و کشورهای جهان سوم می رساند. با خودش فکر می کند اگر جوان های نسل های بعد در جهان سوم به خودشان نجنبند، دوباره مستعمره کشورهای دارای تکنولوژی می شوند.

با همه این نگرانی ها، راهی که رضازاده برای مقابله با این آینده می بیند، خود تکنولوژی است؛ «تنها راه مبارزه با تکنولوژی خود تکنولوژی است؛ باید تاجایی که می توانیم در همین زمینه پیشرفت کنیم.»

و این شاید همان نقطه ای باشد که گذشته و آینده در این مغازه کوچک به هم می رسند؛ مردی که هنوز با ذره بین روی مدارهای ریز دستگاه های قدیمی خم می شود، قطعه ای را که دیگر در بازار پیدا نمی شود خودش می سازد، به یک ضبط قدیمی بلوتوث اضافه می کند و در میان رادیوها و تلویزیون هایی که دیگر هواخواه زیادی ندارند، همچنان به کاری ادامه می دهد که خودش یک دلیل بیشتر برایش ندارد؛ «من عاشق کارم.»

حکایت طبابت صادقانه و ماندگار دکتر محمدحسن باقری در محله شهید قربانی

پزشکی که سنگ صبور ۳ نسل است

۴



راه تجربه



محمدرضا فیضی | ساده است و ترو تمیز نه دکوراسیون پرطمطراقی دارد. میز و صندلی های آن چنانی. چند دقیقه انتظار مان برای آمدن پزشک قدیمی محله شهید قربانی، به تماشای در و دیوار مطب و تصور هزاران بیماری می گذرد که در این سه دهه، با حالی نامساعد به اینجا آمده اند و او باروی گشاده و نسخه هایی شفاف بخش، بیماران خود را به امید سلامتی، بدرقه کرده است.

«سلام آقای دکتر!» صدای منشی، باعث می شود مردم بلند قامت، لاغر اندام و ساده پوشی را که با عجله، به درون مطب پامی گذارد به جای آوریم: «محمد حسن باقری»، صاحب تابلو نصب شده روی در ورودی که آوازه خبرخواهی اش میان اهالی محله، پیچیده است، پزشک خوش نامی که اعضای شورای اجتماعی محله شهید قربانی ابتدای شهریور به مناسبت روز پزشک به سراغش رفتند و از زحمات چندین ساله او قدر دانی کردند.

نمی شود. گاهی بیمار بیش از دارو، به گفتن از شرایطش و شنیدن توضیح نیاز دارد؛ به اینکه کسی برایش وقت بگذارد و بگوید مشکلی که دارد، آن قدرها هم که فکر می کند، نگران کننده نیست.

او می گوید یکی از کارهایی که همیشه انجام داده، گفت و گو با بیماران بوده است: «خیلی وقت ها این صحبت، بیشتر از دارو تأثیر دارد. مریض، از روی رویه معمول، توقع دارد فلان دارو را برایش بنویسی، ولی اگر خوب با او صحبت شود، خیلی از مشکلات حل می شود و دیگر نیازی به دارو و هزینه های اضافی نیست.»

شاید همین نگاه باعث شده است بعضی بیماران، برای مشورت سراغ او بیاورند. آن ها گاهی ای ندارند از اینکه ویزیت شدنشان به نسخه ای جدید ختم نشود؛ برای آن ها دکتر باقری، پزشکی است که گوش شنوا دارد.

اهالی قدر شناس هستند

محله شهید قربانی با همه رشد خود در این سال ها، ساکنانی دارد که شرایط اقتصادی را با دشواری سپری می کنند. پزشک معتمد محله، این وضعیت را نه به واسطه شنیدن از دیگران، بلکه از نزدیک دیده و لمس کرده است. می گوید: زمانی به خانواده ها توصیه می شد برای بهبود تغذیه، پروتئین بیشتری مصرف کنند؛ از لبنیات گرفته است تا تخم مرغ و مرغ و گوشت قرمز، اما امروز شرایط اقتصادی بعضی خانواده ها طوری است که خرید این مواد غذایی، برایشان ساده نیست.

دکتر آقای دکتر از شرایط معیشتی بیماران شایسته است برای دریافت ویزیت از نیازمندان، سخت گیری نکنند. ارتباط مستمر با مراکز خیریه و مساجد محله برای پذیرش بیماران نیازمند، نیز از همین دیدگاه ناشی می شود.

وقتی از او می خواهیم ویژگی دوست داشتنی اهالی محله را بگوئیم، بدون درنگ، به کم توقع بودن و قدرشناسی اهالی، اشاره می کند و ادامه می دهد: مردم می فهمیده هستند و قدر کاری را که برایشان می کنی، می دانند. نمونه حی و حاضرش همین ابتدای شهریور، جمعی از اهالی محله با لوح تقدیر و هدیه به سراغ آمدند و خوشحالم کردند؛ این برایم ارزشمند است.

حضور آقای دکتر، طوری با تار و پود هویت محله، گره خورده است که اهالی، نبودنش را حتی برای چند روز، بزرگ می بینند و اگر چند روزی برای مسافرت و تجدید قوا، مطب را تعطیل کند، سراغش را می گیرند.

کشاورز زاده ای که پزشک شد

متولد ۱۳۴۸ است، در کدکن، از توابع تربت حیدریه که آن زمان، آن چنان آباد نبود. دوران ابتدایی و راهنمایی را در روستا گذرانده است؛ برخلاف تصور کلیشه ای، در خانواده ای که نه آن چنان مرفه بود و نه تحصیل کرده: «همین قدر بگویم وضعیتمان در حد متوسط بود. پدرم از راه خرید و فروش محصولات کشاورزی زندگی را می چرخاند.»

پایان دوران دانشجویی در دانشکده پزشکی مشهد، او را برای طبابت به محله شهید قربانی رسانید؛ جایی که سه دهه از زندگی حرفه ای اش در آن رقم خورده است. آقای دکتر، زمان را به آبان ۱۳۷۷ عقب می راند و ادامه می دهد: برای مجوز خدمت آن موقع باید چهار سال در یک منطقه محروم خدمت می کردم، آن هم خارج از محدوده شهری. اینجا را انتخاب کردم. آن موقع، محله شهید قربانی حال و هوای امروز را نداشت. خیابان های شهید شاهی و جماران خاکی بود و رفت و آمد خودروها هم بی رونق. مانند در این منطقه بیشتر از آنکه یک انتخاب اقتصادی باشد، به خاطر نیاز مردم محله بود.

رابطه ای فراتر از یک نسل

سال ها گذشت و محله آرام آرام تغییر کرد. خیابان ها آسفالت و ساختمان ها بیشتر شد و رفت و آمد ها رونق گرفت؛

درمان، همیشه بانسخه نیست

برای دکتر باقری، طبابت فقط به نوشتن نسخه ختم

حسن آقا، پزشکی از جنس مردم

سید محمد احمدی

همسایه دیوار به دیوار مطب

حدود ۲۵ سال است که دکتر باقری را می شناسم و از همان سال های اول هم او را «حسن آقا» صدا می کنم. آدمی خاکی و صمیمی است و با اینکه پزشک است، خودش را از مردم جدا نمی داند.

هر روز که سر کار می آید، اول سری به عطاری می زند، حال و احوالی می کند و بعد به مطب می رود. همیشه هم سعی می کند در سلام کردن پیش قدم باشد و همین رفتارهای ساده، آدم را به او نزدیک می کند.

خدا را شکر تا امروز زیاد گذرم به پزشک نیفتاده، اما هر وقت یکی از اقوام یا آشنایان نیاز به پزشک داشته باشند، حتی اگر از راه دور باشند، دکتر باقری را معرفی می کنم. چون هم کارش را خوب بلد است و هم تا جایی که من دیده ام، برای بیمار وقت می گذارد و با دل و جان کارش را انجام می دهد.



مهربانی، نسخه همیشگی دکتر باقری

علی اکبر طیبی

عضو شورای اجتماعی محله شهید قربانی

من از بچگی دکتر باقری را به مهربانی و خوش اخلاقی می شناسم. معمولاً بچه ها وقتی اسم دکتر می آید کمی می ترسند. اما دکتر باقری با آن برخورد خوب و خنده رویی که دارد، کاری کرده که بچه های این محله خیلی راحت با او ارتباط بگیرند.

چیزی که همیشه در دکتر دیده ام، این است که خوب به حرف آدم گوش می دهد. وقتی مریض می شوم و پیشش می رویم، با حوصله وقت می گذارد و اجازه می دهد کامل صحبت کنیم. بعد هم با دقت تشخیص می دهد و اگر لازم باشد دارو تجویز می کند.

به نظرم همین مهربانی، صبوری و خنده رویی باعث شده است دکتر باقری برای اهالی این محله فقط یک پزشک نباشد و خیلی ها با خیال راحت برای درمان سراغش بروند.





پزشک خیراندیش و دختران بسیجی محله سپس آباد ابتکار به خرج دادند

داروهای مازاد خانه‌ها، گره‌گشای بیماران نیازمند

نوجوانان پایگاه است که پای ثابت برنامه تفکیک دارو به شمار می‌رود. با اعترافی که رنگ و بوی شیطننت های نوجوانی دارد، می‌گوید: دوستانم، نرگس جهانسوز و سحر مبهوت هم برای تفکیک می‌آیند. راستش را بخواهید، من، هم کار خیری را که انجام می‌دهیم دوست دارم و هم، خوش و بیش کردن هایمان، موقع جدا کردن داروها را، البته از آن هایی نیستیم که وقتی صحبت می‌کنند، دست هایشان از کار کنار می‌کشد. بله، بله، بله، یک ریز صحبت کنیم و بخندیم و در ضمن، داروها را هم تند تند جدا کنیم.

او تا کید می‌کند: انگیزه اول برایم مهم تر است. آن قدر که اگر نرگس و سحر هم نیابند باز هم برای تفکیک داروهای نیازمندان، داوطلب می‌شوم.



می‌آیند. داروها هم به همین بیماران نیازمند داده می‌شود تا نیازی به پرداخت هزینه دارو نداشته باشند.

او ادامه می‌دهد: قسمت مهم کار، تفکیک داروهاست که مرحله نخست آن با کمک پایگاه بسیج فدک انجام می‌شود و بررسی تخصصی تر را خودمان در مرکز خدمات جامع سلامت سپس آباد، انجام می‌دهیم.

● دختران پای کار

چند پلاستیک دارو جمع شده و به دست فاطمه ارضی، فرمانده پایگاه بسیج فدک رسیده است. داروها باید براساس تاریخ های میلادی که رویشان درج شده است، جدا شوند. اواز دل های صاف و جسم های فعال دختران بسیجی پایگاه، خبر دارد و می‌داند یک فراخوان، کافی است تا چندین نفر برای تفکیک داروها، داوطلب شوند؛ کسانی مثل ریحانه مبهوت، زینب کریمی، زهرا بی باعث، تهمینه طوسی و فاطمه احمدی. او با لبخند می‌گوید که بررسی تک تک داروها و خواندن تاریخ هایی که با خطوط ظریف و ریز درج شده است، حوصله ای می‌خواهد که فقط از دختران پر نشاط و با انگیزه پایگاه برمی‌آید. سوگند اکبری، یکی از

فرزانه شهامت اهرکس، یک گوشه از کار را به دست گرفته است برای رسیدن به همین لبخند و دعای خیری که بانوی سالخورده و بیمار محله سپس آباد، روی لب های رنگ پریده اش جاری می‌کند. شادی و رضایت او از چند بسته قرص است که هیچ پولی برای خرید آن نداشت. او این داروها را رایگان، دریافت کرده و از دغدغه رفتن به داروخانه و روزدن به صندوق دار به خاطر نداشتن هزینه دارو، خلاص شده است.

پزشک مرکز خدمات جامع سلامت و دختران بسیجی پایگاه فدک محله سپس آباد، از دست اندرکاران طرح جمع آوری داروهای مازاد منازل هستند که در دوماه اخیر، واسطه خیررسانی به بیماران نیازمند متعددی شده اند.

● ابتکاری از روی دغدغه

ابلاغ و الزامی در کار نیست. کار دل است و راه خود را به ذهن دغدغه مند دکتر سید حسن سید نژاد باز کرده است. او از چند ماه پیش، اطلاع رسانی در تجمع های شبانه بولوار پیروزی و رضا شهر را آغاز کرده است تا هر کس، داروی اضافه ای را در خانه نگهداری می‌کند، به نیت سلامتی همشهری نیازمند خود در آن سوی شهر، اهدا کند. او که از حدود ده سال پیش، مشغول خدمت به سلامت اهالی محله سپس آباد است، می‌گوید: این داروها بعد از تفکیک، فرستاده می‌شود به یکی از خیریه های محله قرقی. این خیریه، با همکاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد، هر هفته، میزبان حضور پزشکان عمومی و متخصصی است که رایگان، برای معاینه بیماران

تمرین های دونفره مهدیا پایا و خواهرش، زمینه ساز موفقیت او در کاراته شده است

همگام با خواهر هم مسیر در قهرمانی



● داشتن خواهری که هم سن و سال باشد و هم رشته، در موفقیت تأثیر داشته است؟

خیلی زیاد. من و محیا همه جاباهم تمرین می‌کنیم، حتی وقت هایی که با خانواده برای تفریح می‌رویم پارک یا خارج از شهر، تکنیک های سبک و ادوریو را با هم مرور می‌کنیم. مادر هر دو بخش کومیت و کاتا فعال هستیم؛ اولی مبارزه است و دومی، حرکات نمایشی. خواهرم، مثل من، مدال های مختلفی دارد و خرداد ماه، شهرآرامحله با او مصاحبه کرده است.

● تا الان چه افتخاراتی به دست آورده ای؟

شش مدال شهری، استانی و کشوری دارم که مربوط به هر دو بخش کاتا و کومیت است. مثل طلای مسابقات استانی که شهرپور پارسال به دست آوردم و مدال برنز در مسابقات قهرمانی کشور که سال ۱۴۰۳ برگزار شد.

● کدامشان را بیشتر دوست داری؟

مدال نقره ام در مسابقات استانی، بخش کاتا، هنوز هم برایم خیلی شیرین است، چون اولین مسابقاتی بود که شرکت می‌کردم و استرس و هیجان زیادی داشتم. مدال طلای استانی ام در شهرپور پارسال را هم دوست دارم چون حریف های سرسختی داشتم.

● کسی بوده است که با دیدن تمرین های دونفره تو و محیا و شنیدن خبر موفقیت هایتان، به ورزش علاقه مند شود؟

بله، یکی از دخترهای فامیل، الان دارد کاراته کار می‌کند. هم کلاسی ها و بچه های مدرسه امام هادی (ع) در خطیب هم خبر دارند از ورزش کردندم. چند نفری گفته اند خوششان آمده است ولی شرایط رفتن به باشگاه را ندارند.

● مگر مسابقه ای در پیش داری که این قدر فشرده تمرین می‌کنی؟

نه، فقط به خاطر علاقه به رشته و مربی ام، خانم فائزه مرادی، حرفه ای کار می‌کنم.

● می‌خواهی با کاراته به چه جایگاهی برسی؟

دوست دارم مربی بشوم، یکی مثل مربی خودم که خیلی مهربان است و با حوصله به ما آموزش می‌دهد. البته موقع تمرینات یک مقدار، سخت گیر می‌شود ولی سخت گیری هایش هم از روی مهربانی است.

● به ادامه تحصیل هم فکر کرده ای؟

بله، چون درس خواندن را هم خیلی دوست دارم و همه نمراتم، امسال که کلاس چهارم را تمام کردم، خیلی خوب بود. فعلا شغلی که انتخاب کردم، معلمی است.



فرزانه شهامت فقط چند دقیقه گفت و گو با مهدیا پایا کافی است برای اینکه لبریز بودن او از امید به آینده و انگیزه اش برای ساختن سرنوشتی زیبا را لمس کنیم. درخشش این دختر ده ساله که از امید های محله پنچتن به شمار می‌رود، در مسابقات شهری، استانی و کشوری کاراته در کنار موفقیت های درسی، او را به این باور رسانده است که از عهده تحقق رویاهایش برمی‌آید؛ البته با همراهی خواهر بزرگ ترش محیا همپای یکدیگر، پله های موفقیت در رشته کاراته را بالا می‌روند.

● چطور با کاراته آشنا شدی؟

در بستگان پدرم، یکی دو نفر بودند که کاراته کار می‌کردند. من و خواهرم، محیا که چهار سال از من بزرگ تر است، فیلم حضورشان در مسابقات را دیدیم. با مادرم رفتیم باشگاه، رشته های مختلف ورزشی داشت، مثل بوکس، ژیمناستیک و کاراته، انتخاب من و محیا، کاراته بود.

● از آن زمان چقدر می‌گذرد و صاحب چه کمربندی هستی؟

سه سال. الان کمربند بنفش دارم.

● برنامه تمرینت چطور است؟

قیلا روز در میان می‌رفتم باشگاه ولی چند وقتی هست که هر روز می‌روم. ساعت ۱۶ تا ۱۹، فرقی هم نمی‌کنند که هوا گرم باشد یا سرد، درس و مدرسه داشته باشم یا نه. هر جور باشد، سر تمرین هایم حاضر می‌شوم.



طلاب، گلشور، ایثار، تلگرد، وحید، فجر، رده، پنجتن، شهید قربانی
التمور، کوی مهدی

محلات منطقه‌ها

راه آهن، فاطمیه، گاز، مسلم، دروی، سپس آباد، طبرسی شمالی، عباس آباد
رسالت، خیرآباد، بهمن، خواجه ربیع، مهرمادر، بلال، قرقی، مهرگان



نوجوان قاری محله خواجه ربیع بر قله مسابقات کشوری «رویش» ایستاد

افتخار قرآنی برای منطقه ما



فرزانه شهامت! اختتامیه رویداد ملی «رویش» با محوریت تلاوت قاریان نوجوان برگزیده کشور، با حضور حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی خاموشی، نماینده ولی فقیه و رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه، حجت الاسلام والمسلمین سید ناصرالدین نوری زاده، رئیس مرکز امور قرآنی این سازمان و جمعی از مسئولان اوقاف و نهادهای قرآنی، در حرم امامزاده عبدالعزیز (ع) شهرری برگزار شد. در این مراسم، از علی ارجمندی، نوجوان محله خواجه ربیع، به پاس کسب رتبه نخست مسابقه قدردانی شد؛ موفقیتی که نام این نوجوان محله را در میان برگزیدگان قرآنی کشور قرار داد. شهرآرامحله ضمن تبریک این موفقیت به علی ارجمندی و خانواده او، به زودی در گفت و گویی با این نخبه قرآنی، از مسیر فعالیت‌های قرآنی، علاقه‌مندی‌ها و تجربه حضور او در این مسابقات خواهد گفت.

آسانسور پل هوایی راه آهن، با پیگیری شهرآرامحله و همراهی شهرداری منطقه ۳ به مدار خدمت برگشت

بازشدن گره تردد زائران



محمدرضا فیضی | خرابی آسانسور پل عابر پیاده بولوار شهید کامیاب، مقابل پیشخوان راه آهن، یکی از مشکلاتی بود که رفت و آمد زائران و شهروندان، به ویژه چمدان به دست‌ها را با دشواری روبه‌رو کرده بود. پس از اعلام موضوع، مشکل با اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۳ در میان گذاشته شد. با اختصاص اعتبار برای تعمیر و بازسازی، اقداماتی از جمله تعویض کنتاکت در طبقه، جوشکاری و تعمیرات مورد نیاز موتورخانه انجام شد و آسانسور دوباره به بهره‌برداری رسید. اکنون این آسانسور فعال است و در اختیار شهروندان و زائران قرار دارد. همچنین با واگذاری مسئولیت نظافت و پاکیزگی این آسانسورها از سازمان عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری مشهد به شهرداری منطقه ۳، نظافت آن‌ها نیز به صورت مستمر انجام می‌شود.

در پی گلایه شهروندان از وضعیت ایستگاه‌های اتوبوس و کاهش ایمنی مسافران، خبرهای خوش رسید

ایستگاه‌ها در مسیر بازسازی



برای پیگیری این مطالبه، موضوع را با رئیس اداره روابط عمومی سازمان اتوبوس‌رانی شهرداری مشهد، در میان گذاشتیم. عباس اتحادی با اشاره به پیگیری‌های انجام شده اعلام کرد بازسازی ایستگاه‌های آسیب دیده در دستور کار سازمان قرار دارد.

به گفته او، موضوع تأمین اعتبار برای خرید تجهیزات و لوازم مورد نیاز در حال پیگیری است و به محض تخصیص بودجه، عملیات بازسازی ایستگاه‌ها آغاز خواهد شد تا دوباره ایستگاه‌ها همان پناه امنی باشند که مسافران در انتظار اتوبوس به آن نیاز دارند.

محمدرضا فیضی | یکم شهریور امسال، گزارشی در صفحه ۳ شهرآرامحله با عنوان «وقتی ایستگاه پناه مسافران نیست»، منتشر کردیم؛ گزارشی درباره ایستگاه‌هایی که هنوز نشانه‌هایی از زخم روزهای اغتشاشات را بر تن دارند و نبود شیشه و آسیب دیدگی برخی سایبان‌ها، شرایط نامناسبی برای مسافران به وجود آورده است. در آن گزارش، شهروندان از وضعیت ایستگاه‌ها گلایه داشتند؛ از شیشه‌هایی که جای خالی‌شان در روزهای سرد و گرم بیشتر به چشم می‌آید تا سایبان‌هایی که دیگر مانند گذشته نمی‌توانند پناهی برای مسافران باشند. این موضوع علاوه بر کاهش آسایش، نگرانی‌هایی درباره ناامنی شهروندان نیز ایجاد کرده است.